

جبران ضرر معنوی در حقوق افغانستان و فقه امامیه

سید حکمت هاشمی نژاد^۱

چکیده

خسارت معنوی گرچه در بین جوامع بشری زیاد اتفاق می‌افتد اما در قدیم به دلیل عدم مقایسه معنویات با مادیات مورد توجه قرار نمی‌گرفت در حالی که بعضی از این نوع خسارات چه بسا درد آورتر از خسارت مادی بود. خسارت معنوی و روش‌های جبران آن با اهمیتی که دارد، امروزه در تمام نظام‌های حقوقی یک امر پذیرفته شده است، در حقوق افغانستان قانون‌گذار قانون مدنی در ماده ۷۷۸ قانون مدنی به صراحت بیان نموده است که جبران ضرر شامل سنجش ضرر معنوی نیز می‌گردد. از این ماده می‌توان استنباط کرد که نظام حقوقی افغانستان خسارت معنوی را پذیرفته و برای جبران آن روش‌های را هم بیان نموده‌اند. در فقه اهل تشیع گرچه سابق کسی از فقها اعتقاد به چنین زانی نداشت، اما فقهای متأخر با قبول این نوع زیان در صدد راه‌های جبران آن نیز برآمده و با استناد به قواعد چون لا ضرر، عسر و حرج و ... آن را قابل جبران دانسته است. با قبول این نوع زیان، به عنوان خسارت روش‌های جبران آن و تعیین دقیق میزان خسارت معنوی امروزه از سوی حقوق دانان، روش‌های متفاوتی چون، تقویم به پول، الزام به عذرخواهی، انتشار حکم ... بیان شده است که کار را در این عرصه سهل نموده و در تعیین میزان خسارت با پیشرفت فناوری مشکلی رخ نخواهد داد، با توجه به اصل هدف از جبران خسارت که جلب رضایت زیان‌دیده به هر طریق ممکن می‌باشد، نه جبران صددرصدی آن، این امر غیر قابل انکار است. و فقه رایج‌ترین روش در صدمات جسمی دیه را بیان نموده است. بر این اساس تعیین میزان خسارت در نظام حقوقی افغانستان به صراحت ماده ۷۷۹ قانون مدنی به عهده قاضی گذاشته شده است که با توجه به شرایط اوضاع و احوال در این مورد اقدام به صدور حکم می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: جبران ضرر. خسارت معنوی. مسئولیت مدنی. تقصیر، قاعده لا ضرر

مقدمه

موضوع خسارت معنوی و به خصوص نحوه جبران این نوع ضرر از مباحث بحث‌برانگیز و بسیار دشوار می‌باشد؛ زیرا این امر با توجه به مشکل بودن تقویم آن به مادیات و مقایسه آن با پول کار سختی است که خیلی‌ها را در گذشته وادار به این نموده بود که دست از جبران آن برداشته و ضمانت اجرایی برای آن قائل نگردد. اما واقعیت آن است که این گونه موضوعات که امروزه خیلی بیشتر از قبل در جوامع اتفاق می‌افتد کنار گذاشتن آن جفا در حق کسانی است که از این ناحیه صدمات سختی دیده و یک عمر با مشکلات و سختی‌های آن دست‌وپنجه نرم می‌نماید، با این وجود مسائل که در این موضوع بروز می‌نماید اولاً بحث امکان و عدم امکان این نوع خسارت در حقوق افغانستان و فقه امامیه است، دوماً در

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

صورت امکان مابین آن را اثبات می‌نماید، سوما شیوه‌های جبران این نوع خسارت و چهارم کسانی که مستحق دریافت این خسارت می‌باشد. در این مقاله بحث خواهد شد و کوشش نویسنده بر این است تا مطالب را بر اساس حوزه تعیین شده دنبال نموده و به نتیجه مطلوب برساند ان شاء الله.

مفهوم جبران ضرر

جبران. (ج) (ع مص) مأخوذ از جبر (ج) عربی به معنی: استدراک زیان وارده. مترادف این واژه را در زبان فارسی می‌توان: تاوان، بازپرداخت، بازنهی، برگرداندن، ترمیم، تلافی، و ... دانست. اما واژه ضرر مصدر ضَرَّ یَضُرُّ به معنی ضد نفع، زیان وارد آوردن، گزند، زیان، آسیب، بدحالی، ناسازگاری. (علی‌اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۱۶ ص ۱۹۲. و ابن منظور، لسان العرب، ج ۳ ص ۲۳۰۰. محمد معین، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، چاپ ۲۱، ج ۲، ص ۲۱۸۶. مسعود انصاری، و محمدعلی طاهری، دانشنامه حقوق خصوصی، ج ۲. ص ۱۲۶۴).

در اصطلاح تعاریفی چندی از سوی صاحب‌نظران ارائه گردیده است که عبارت‌اند از:

۱. (مدنی - فقه) الف؛ مالی که باید از طرف کسی که باعث ایراد ضرر مالی به دیگری شده به متضرر داده شود. ب: زیان وارد شده را هم خسارت می‌گویند. (محمدجعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۲۶۰).

۲. در فقه و حقوق عبارت آزار و یا نقصان و کاستی ناخوشایندی است که در یکی از ضروریات پنج‌گانه، جان، مال، دین، عقل، آبرو (عرض) و مال حاصل می‌شود که عامل آن (ضار) ممکن است خود شخص و یا غیر (دیگری) باشد. (مسعود انصاری، و محمدعلی طاهری، دانشنامه حقوق خصوصی ج ۲. ص ۱۲۶۴).

۳. در قانون مدنی افغانستان گرچه دقیقاً جبران خسارت تعریف نشده است، اما روی هم رفته آنچه از مواد ۳۸-۷۳۴-۷۳۵-۷۷۸-۷۷۹ و ... به دست می‌آید خسارت به معنی لغوی‌شان یعنی همان ضرر و زیان بکار رفته است و معنای عامی که شامل جبران خسارت هم گردد بعید به نظر می‌رسد چون جای که از غرامت و جبران سخن به میان آمده صراحتاً (جبران خسارت) آورده، نه فقط خسارت. (سید حسن، شیرینی (زنجانی) و عبدالخالق قاسمی، خسارات قراردادی قابل مطالبه در حقوق افغانستان، فقه و اسناد بین‌المللی حقوق قراردادی، ص ۵)

اما تعریف مناسبی را که می‌توان ارائه نمود عبارت‌اند از؛ جبران خسارت؛ آگاه نمودن اشخاص در قبال مسئولیت که در برابر یکدیگر دارند؛ که نسبت به زیان دیده جنبه بازگرداندن او به وضعیت مشابه قبل از ورود زیان، نسبت به زیان زنده جنبه بازدارندگی و اصلاح وی و سرانجام نسبت به جامعه جنبه استقرار عدالت اجتماعی را داراست.

مفهوم خسارت معنوی

خسارت معنوی واژه ترکیبی ازت خسارت و معنوی می‌باشد که واژه خسارت عربی و مصدر؛ خسر- اخسر، یخسر، خسرا نا به معنی الضلال، الهلاک، غیر نفع، ضرر و زیان وارده، زیانکاری زیانمندی، و ضرر کردن آمده است. (ابن منظور، لسان العرب ج ۱ ص ۱۰۸۰، علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا چ ۲۱ ص ۵۲۳، محمد معین، لغت‌نامه فارسی، ج ۱ ص ۱۴۱۹)

معنوی؛ اسم منسوب به معنی، مربوط به معنی و غیرمادی است. (انصاری و طاهری، دانشنامه حقوق خصوصی، ج ۳ ص ۱۹۰۴)

معنی ترکیبی این دو واژه زیان و ضرری است که مربوط به امور غیرمادی باشد.

در اصطلاح تعاریف گوناگونی ارائه گردیده است که به گونه اختصار به چند نمونه از آن اشاره می‌گردد؛

۱. ضرر معنوی که؛ به عرض و شرف متضرر یا یکی از اقارب وارد می‌شود. مثل افشای راز بیمار. (محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۴۱۳)

۲. ضرر معنوی عبارت از صدمات روحی و کسر حیثیت و اعتبار شخص است که در اثر عمل بدون مجوز قانونی دیگری یافت شده است، ضرر معنوی قابل تقویم به پول نیست. (سید حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۱، صص ۵۷۸ و ۶۲۶)

۳. ضرر معنوی عبارت‌اند از صدمه به منافع عاطفی و غیرمالی. (ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی (مسئولیت مدنی) ج ۱، ص ۲۲۱)

۴. الضرر الادبی: الضرر الذي لا يصيب الشخص في ماله. خسارت معنوی عبارت‌اند از خسارت وارد بر جسم، وارد بر اعتبار، شرف و آبرو، وارد بر احساسات و عواطف، خسارت معنوی ناشی از تعدی بر حق ثابت فرد. (عبدالرزاق احمد السنهوری، الوسيط في شرح قانون المدني الجديد، ج ۱، صص ۸۶۴-۸۶۵)

تعریف آخر بهترین تعریف در میان تعاریف موجود به چشم می‌خورد.

مفهوم مسئولیت مدنی

مسئولیت در لغت مصدر جمعی از ریشه سأل به معنای؛ بازخواست، مواخذه، ضمانت، ضمان، تعهد، مسئول بودن، موظف بودن، عهده‌دار بودن. (انصاری و طاهری، پیشین، ج ۳ صص ۱۸۳۹-۱۸۴۰. دهخدا، پیشین، ج ۴۴، ص ۴۴۸. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، ص ۱۷۹۸.)

واژه مدنی؛ اسم منسوب به مدینه به معنای شهری و منسوب به شهر است، به معنای محدودتر هر امری که مربوط به قانون مدنی گردد، حضر، ساکن شهر، اهل شهر مقابل بدوی است. (انصاری و طاهری، پیشین، ج ۳، ص ۱۷۷۱)

مسئولیت مدنی در اصطلاح به چند تعبیر آمده است که عبارت‌اند از:

۱. از قابلیت ارزیابی به مال برخوردار باشد. (انصاری و طاهری، پیشین، ج ۳، ص ۱۸۳۹).
۲. مسئولیت مدنی عبارت از وظیفه حقوقی است، که شخص در برابر دیگری به انجام یا ترک عملی دارد؛ اعم از اینکه منشأ آن عمل حقوقی یا احکام قانونی باشد. (عباس خواجه پیری، حقوق مدنی ۴ موجبات مسئولیت مدنی و آثار آن، ص ۴۰۳).

۳. مسئولیت مدنی در معنای عام التزام شخص به جبران خسارت وارده به دیگری است؛ اعم از اینکه منشأ ضرر جرم باشد یا شبه جرم یا عدم اجرای قرارداد، یا قانون. (احمدعلی هاشمی، با دیباچه سید حسین صفایی، دامنه مسئولیت مدنی، ص ۱۶ و ۱۸)

بنابراین مسئولیت مدنی عبارت از تعهدی است که شخص در صورت زیان رساندن بر دیگری ملزم به جبران آن می‌گردد.

مفهوم تقصیر

در لغت به معنی؛ سستی کردن، کوتاهی کردن، افتادن و بستن و رفتن، قصور و کوتاهی، خطا کردن، گناه، بزه آمده است. (دهخدا، پیشین، ج ۱۵، ص ۸۴۲. عمید، پیشین، ج ۲، ۶۰۱. غلامحسین صدری افشاری، نسرین حکیمی، فرهنگ معاصر فارسی، ص ۳۸۱).

در اصطلاح برداشت‌های متفاوتی از سوی صاحب‌نظران بیان شده است که مختصراً به چند بیان اشاره می‌گردد؛ ماده ۹۵۳ قانون مدنی ایران: تقصیر اعم است از تعدی و تفریط. تقصیر عبارت از انجام عملی که شخص نمی‌بایست مرتکب شود (تعدی)، یا ترک عملی که شخص می‌بایست انجام دهد (تفریط). (سید حسین، صفایی، دوره مقدماتی حقوق مدنی، تعهدات و قراردادها)، ج ۲ ص ۵۵۳۶. و صفایی و رحیمی، مسئولیت مدنی (الزام‌های خارج از قرارداد) ص ۱۵۴).

قانون مدنی افغانستان تعریف صریح از آن نداشته و از مواد؛ ۱۱۹، ۳۸۸، ۷۷۶، ۱۰۸۷، ۱۲۳۸، ۱۳۵۹ و ۱۴۷۱. و قانون تجارت مواد؛ ۵۴۹، ۵۹۶، ۷۸۱، ۶۴۰، ۸۴۳ و ۸۵۷ به دست می‌آید که مفهوم تقصیر فراتر از معنای لغوی خود استعمال نشده بلکه به همان معنای سهل‌انگاری، غفلت و خودداری کردن از انجام کاری باوجود توانایی بکار رفته است.

تاریخچه خسارت معنوی

تاریخچه این موضوع در فقه امامیه برمی‌گردد به دوران پیامبر و ائمه معصومین که حدیث لا ضرر و لا ضرار که از پیامبر اسلام صادر شده و به‌عنوان یک قاعده فقهی تبدیل شده است. موضوع شان ضرر معنوی است که به مرد انصاری دستور قلع درخت سمره این جنذب را داد چون سمره وقت و نا وقت بدون اذن وارد خانه مرد انصاری می‌گردید و باعث آزار و اذیت مرد انصاری و خانواده‌اش می‌گردید.

اما در حقوق افغانستان تاریخچه را باید در لابه‌لای مواد قوانین مختلف جستجو نمود که به‌اختصار در اینجا به مواد چندی از قوانین مختلف موضوعه افغانستان را می‌آوریم؛

در اولین قانون اساسی افغانستان مصوب سال ۱۳۰۲ در بخش حقوق عمومیه تبعه افغانستان که از ماده ۸ تا ۲۴ را دربر می‌گیرد قانون‌گذار حقوقی را ذکر نموده که اکثریتشان را حقوق معنوی افراد تشکیل می‌دهد و دولت موظف به صیانت از آن دانسته شده است، موارد چون حیثیت، اعتبار، آبرو، شخصیت، خانواده بخصوص طفل و مادر مورد توجه خاص قرار گرفته است که در صورت هتک این نوع حقوق مسلم هست که اشخاص خاطی ملزم به جبران خسارت معنوی می‌گردد.

در قانون مدنی که مهم‌ترین قانون مورد استناد ما در اینجاست بحث جبران ضرر معنوی در بخش حوادث قانونی مطرح و مورد اعتنا قرار گرفته که از ماده ۷۵۸ تا پایان فصل حوادث قانونی مربوط به حقوق مادی و معنوی و مخصوصاً جبران خسارت هست که به صراحت در ماده ۷۷۸ جبران‌ها را شامل سنجش ضرر معنوی نیز دانسته است.

در ماده ۴۰ قانون اصول محاکمات مدنی افغانستان نیز موضوع افشای اسرار خانوادگی مورد بحث قرار گرفته که کاملاً یک امر معنوی می‌باشد و در قانون جزا و سایر قوانین به نحو از انحاء این امر مهم مورد توجه قانون‌گذاران بوده و از آن غفلت نورزیده است.

انواع خسارت معنوی

خسارت معنوی به اعتبار مختلف از سوی حقوقدانان کشورهای بیان گردیده که ما در این مجال از ذکر همه آن‌ها صرف نظر نموده و فقط تعریف قانون‌گذار افغانستان را با تعریف جامع دیگر ذکر می‌کنیم.

قانون‌گذار افغانستان ضرر معنوی را این‌گونه تقسیم‌بندی نموده است؛

الف: ضررهای وارده بر شخص زیان‌دیده؛ ۱. ضررهای ناشی از مرگ. ۲. ضررهای ناشی از غیر مرگ.

ب: زیان‌های وارده بر اقربای زیان‌دیده؛ ۱. ضررهای ناشی از مرگ. ۲. ضررهای ناشی از غیر مرگ.

اما بهترین تقسیم‌بندی از آن قانون‌گذار مصر است که قانون مدنی افغانستان نیز تأثیر مستقیم از آن دارد. که عبارت‌اند:

الف: خسارت معنوی وارد بر جسم. ب: خسارت معنوی بر شرف، اعتبار و عرض. ج: خسارت معنوی به عاطفه و احساس.

د: خسارت معنوی به حق مسلم و قطعی. (السنهوری، پیشین، ج ۱، ص ۵۶۵).

ماهیت و قلمرو خسارت معنوی

با توجه به تعاریف و تقسیمات که از خسارت معنوی شد، وقتی بحث از ماهیت این نوع خسارت در میان می‌آید اذهان سوق داده می‌شود به سوی امکان و عدم امکان وقوع و جبران خسارت معنوی، در گذشته به خاطر دشوار بودن شناخت ضرر معنوی از مادی از یک سو و قابلیت تقویم آن با مادیات از سوی دیگر محققان را بر این واداشت تا اصل خسارت معنوی را به دلیل عدم امکان جبران از میان بردارند، اما خوشبختانه امروزه اکثر فقها و حقوقدانان به بر این باوراند که خسارت معنوی واقعاً خسارت بوده و قابلیت جبران را نیز داراست و راه کارهای نیز ارائه داده‌اند که در ادامه خواهد آمد؛ از طرق مختلف می‌توان این نوع خسارت را جبران نمود بنابراین ماهیت ضرر معنوی کاملاً غیرمادی بوده و هیچ ربطی با زیان مادی نخواهد داشت.

قلمرو زیان‌های معنوی نیز در قالب مسئولیت‌های قراردادی خیلی نمی‌گنجد بلکه قلمرو وسیعی دارد که شامل هر نوع ضرر معنوی بدون مجوز قانونی می‌گردد و جبران را در پی خواهد داشت و اصل بر این قرار داده شده که هیچ نوع ضرری نباید بدون جبران باقی بماند. و در صورت جبران کامل از سوی هرکسی زیان‌دیده هم حق مطالبه مضاعف را نخواهد داشت.

امکان و عدم امکان جبران خسارت معنوی

بحث امکان و عدم امکان خسارت معنوی از مباحث مهم و ضروری در این تحقیق است چون مسئله جبران‌ها بعد از قبول و یا رد این نوع خسارت است و باید این فرایند طی شود تا راه برای تبیین مطالب هموار گردد.

در مورد عدم امکان جبران خسارت معنوی از سوی صاحب‌نظران به‌طور کلی سه نظریه مطرح گردیده که شالوده آن عبارت‌اند از: از لحاظ نظری: چون نامحسوس و مبری از امور مادی و عدم قابلیت تقویم به پول را دارد و اصلاً قابل مقایسه با مادیات نیست لذا جبرانی هم ندارد. ساوینی سردسته این گروه می‌گوید امور معنوی از قلمرو حقوق خصوصی خارج و در ورای قوانین قرار دارد لذا نمی‌توان ضمانت اجرایی برای آن در نظر گرفت. (سید ابوالقاسم نقیسی، خسارت معنی در حقوق اسلام، ایران و نظام‌های حقوقی معاصر. به نقل از (Ganot (Jean), "La reperat i on da prej udi ce (moral ".(t hese renne, ۱۹۲۴), P, ۲۸.

ب: از لحاظ علمی و فنی: تعیین غرامت و تقویم میزان آن امری دشوار و برای قاضی مقدور نیست و با دو مشکل مواجه است ۱. ممکن در تقصیر سنگین خسارت اندکت تعیین شود. ۲. و در تقصیر سبک خسارت زیاد تعیین شود. که این با عدالت و انصاف سازگار نیست. (هدایت الله سلطانی نژاد، بررسی تطبیقی خسارت معنوی، ص ۲۰۳. و عبداللطیف سجادی، مسئولیت مدنی و ضمان قهری با تأکید بر حقوق افغانستان، ص ۱۵۰).

ج: از لحاظ اخلاقی: مقایسه و تقویم امور معنوی را با مادی کاملاً یک امر غیر اخلاقی و زشت دانسته، آقای تورنی می‌گوید قبول این نوع تقویم از نظر اخلاقی مغایر باحیاست. (سلطانی نژاد پیشین، ص ۲۰۳. و سجادی پیشین، ص ۱۵۰).

اما در مورد امکان جبران خسارت: طرفداران امکان جبران خسارت بار رد دلایل عدم امکان جبران خسارت می‌آورد که؛ جبران خسارت همیشه به معنی زدودن همه آثار آن نیست، این امر در ضررهای مادی نیز امکان‌پذیر نیست، مثلاً تابلوی نقاشی که از بین رفته یک امر مادی است و باید با پول جبران شود در حالی که اصل آن تابلو امکان ندارد دوباره به حالت اول درآید. بلکه هدف در جبران‌ها جبران نسبی و جایگزینی است تا وسیله شود برای تحمل درد و رنجی درونی که برای متضرر پدید می‌آید. (ناصر کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد «ضمان قهری مسئولیت مدنی غضب و استیفا، ج ۱، ص ۲۵۷. و حسن نخجیری، دعوای خصوصی در دادگاه جزا، ص ۱۰۱).

و یا به گفته محقق دیگر هدف مسئولیت فراهم نمودن دریافت معادل آنچه از دست داده از سوی عامل است، یا جلب رضایت زیان‌دیده که خیلی وقت‌ها با یک عذرخواهی ساده نیز به دست می‌آید. (سید مهدی میر داداشی، مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی در حقوق ایران و مصر، ص ۱۳۲).

از طرفی اخذ معادل که پول باشد به زیان‌دیده‌ای که زیبایی‌اش را از دست داده این امکان را می‌دهد تا با مراجعه به دوکتور متخصص جلدی آن زیبایی اولیه‌اش را دوباره به دست آورد. (حمید درخشان‌نیا، ضرر و زیان ناشی از جرم، ص ۱۲۲، و نخجیری، پیشین، ص ۸۶).

دلیل دوم منکرین جبران، گرچه تا حدودی درست می‌نماید اما تعیین میزان خسارت امروزه با پیشرفت فناوری کار مشکلی نیست و نباید به این بهانه از اصل جبران غافل شد و خسارت‌های بزرگی را که زندگی افراد را متلاشی می‌نماید نادیده گرفت. (مصطفی العوجی، حقوق الانسان فی دعو الجزائیه، ص ۳۴۱).

ازلحاظ اخلاقی نیز امروزه عدم جبران این نوع خسارت یک امر غیراخلاقی محسوب می‌شود لذا دلایل ارائه شده بر عدم امکان قابل خدشه بوده و امروزه این امر از سوی بیشتر از کشورها مورد پذیرش قرار گرفته است. و بخصوص در کشورهای اسلامی و فقه امامیه کرامت انسانی دارای جایگاه ویژه می‌باشد که آیات قرآن کریم احادیث متعددی بر این امر تأکید دارد و فقها در کتب شان با استناد به آن این امر را اثبات شده دانسته است. که در این نوشتار کوتاه مجال آوردن آن نیست، برای تفصیل مطلب (ر. پایان نامه ارشد، جبران خسارت معنوی در حقوق افغانستان و فقه امامیه، از سید حکمت هاشمی نژاد، بخش مبانی، ص ۴۷ به بعد).

در حقوق افغانستان که محل بحث ما می‌باشد با استناد به حقوق معنوی که در قانون اساسی ذکر گردیده و صراحت ماده ۷۷۸ قانون مدنی افغانستان سنجش ضرر معنوی در جبران‌ها یک امر مسلم است.

مبانی خسارت معنوی

مبانی خسارت معنوی را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود؛ مبانی حقوقی، مبانی فقهی و مبانی قانونی که به اختصار هریک را در اینجا ذکر می‌نماییم:

مبانی حقوقی

مبانی که به عنوان مبانی حقوقی در مورد جبران خسارت معنوی قرار گرفته است چند تا نظریه هست که قرار ذیل می‌باشد؛ الف نظریه تقصیر: چنانچه قبلاً تقصیر را تعریف کردیم که تقصیر به عملی که شخص از روی افراط و یا تفریط مرتکب می‌شود، دارای معیارهای است که به ما کمک می‌کند تا مقصر را بهتر بشناسیم که در اینجا فقط به معیار که مورد نظر ماست که نوعی باشد اشاره می‌کنیم؛ معیار نوعی در تقصیر شخص متعارف هست یعنی بجای مراجعه و ملاک قرار دادن عامل زیان به شخص متعارف رجوع کرده و رفتار عامل را بر اساس آن می‌سنجیم تا میزان تقصیر معین گردد. (عبدالحسین رسولی، مسئولیت غیر قراردادی در حقوق افغانستان، صص ۷۷-۷۹).

فقها و حقوقدانان نیز در تقصیر معیار نوعی را پذیرفته و توجه به غیر متعارف بودن رفتار عامل نموده است. (میر عبدالفتاح المرأغی الحسینی، العناوین، ج ۲، عنوان ۶۰، ص ۴۴۸. ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، ص ۱۷۴).

در حقوق افغانستان در باب جبران‌ها اصلیت بر نظریه تقصیر داده شده است ماده ۷۷۶ قانون مدنی اشعار دارد؛ هرگاه بر اثر خطا یا تقصیر ضرری بر غیر وارد گردد مرتکب به جبران خسارت مکلف می‌باشد.

ب: نظریه خطر یا ریسک و نظریه تضمین حق؛ نه به عنوان یک نظریه مستقل و کامل بلکه در کنار نظریه تقصیر و کامل کننده آن می‌تواند کمک حال باشد اما اصلیت بر همان نظریه تقصیر است برای تفصیل این دو نظریه (ر. پ، هاشمی نژاد، ص ۵۱ به بعد).

مبانی فقهی

مبانی فقهی در زمینه خسارت معنوی و مسئله جبران‌ها زیاد می‌باشد که در اینجا به اهم از آن‌ها به گونه مختصر پرداخته می‌شود؛

الف: قاعده لا ضرر: این قاعده که برگرفته از حدیث نبوی می‌باشد با استناد به آیات ۲۳۳^۱ و ۲۳۱^۲ سوره بقره، آیه ۶^۳ سوره طلاق و آیات ۱۰۷ و ۱۱۰^۴ سوره توبه و همچنین روایات چون، حدیث زراره از پیامبر^۵، حدیث امام صادق و احادیث دیگر، به‌عنوان بهترین مدرک و قاعده در بحث خسارت معنوی مطرح می‌باشد. و فقهای زیادی با استناد به این حدیث شریف خسارت را به‌طور کلی و خسارت معنوی را به‌صورت ویژه قابل جبران می‌داند. گرچه در مورد دلالت لفظی این قاعده و معنی آن حرف‌وحدیث‌های مطرح‌شده است اما آنچه مسلم است حرف لا در این قاعده چه نافی باشد و چه ناهیه در هر دو حال دلالت بر ممنوع بودن ایجاد ضرر و ضرار دارد. چه بسا که کلمه ضرار را خیلی از فقها مختص ضرر معنوی دانسته است. (حسینی مراغی، پیشین، ج ۱، صص ۳۱۰-۳۱۲).

ب: قاعده نفی عسر و حرج: این قاعده نیز با استناد به آیات ۷۸ سوره حج، ۶ سوره مائده، ۱۸۵ و ۱۸۶ سوره بقره و روایات چندی به‌عنوان مبنا در بحث خسارت معنوی و جبران آن قرار گرفته است. چون عسر و حرج و در تنگنا قرار دادن دیگران ضربه روحی شدید بر وی وارد می‌سازد و جز خسارت معنوی به حساب می‌آید از طرفی اگر خسارت معنوی را غیرقابل جبران بدانیم که خیلی ضررهای مهلک‌تر از ضرر مادی در بسیاری موارد دارد موجب حرج جامعه می‌شود این باعقل سلیم جور در نمی‌آید. و قاعده فوق دلالت بر احکام وجودی و عدمی دارد. (سلطانی نژاد، پیشین، ص ۹۵ و نقیعی، پیشین، ص ۱۵۶).

ج: اصل لزوم حفظ حرمت اشخاص؛ آیات و روایات متعددی بر این اصل دلالت دارد که به در اینجا به‌عنوان نمونه به یک آیه و روایت اشاره می‌کنیم؛

ولقد کرما بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا؛ ترجمه: ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های راهور) حمل کردیم؛ و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آن‌ها را از موجوداتی که خلق کردیم برتری بخشیدیم. (اسراء آیه ۷۰)

با این کرامتی که خداوند برای انسان ارزانی بخشیده است اگر کسی بخواهد این تکریم را بشکند و توهین و هتک نماید بدون شک مورد بازخواست قرار خواهد گرفت چون طبق صریح روایات موجود مال مؤمن برابر با خون اوست و به‌راحتی کسی نمی‌تواند به آن تعرض نماید. روایت وارده چنین است؛ عن احمد عن الحسن بن سعید عن فضاله بن ایوب عن

۱. لا تضار والده بولدها و لا مولود له بولده..¹

۲. ولا تمسکوهن ضرارا لتعتدوا و من یفعل ذالک فقط ظلم نفسه...²

۳. ولا تضاروهن لتضیقوا علیهن...³

۴. والذین اتخذوا مسجدا ضرارا و کفرا و تفریقا بین المومنین...⁴

۵. کلینی، کافی المعیشه باب الضرر، روایت ۲.⁵

عبدالله بن بکیر عن ابی بصیر عن ابی جعفر قال: قال رسول الله ص: سباب المؤمن فسوق و قتاله کفر و أکل لحمه معصیه و حرمة ماله کحرمة دمه. یعنی: پیامبر فرموده بدگویی و فحاشی به انسان مؤمن حرام و موجب فسق است و درگیری با او کفر، و غیبت وی معصیت و حرمت مال او مانند حرمت خون اوست. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۹۷).

با دقت در این روایت مال با خون مقیاس شده است یعنی ارزش خون انسان خیلی بالاست و در موارد مال انسان نیز از نگاه ارزشی همپای او می‌شود. پس چطور می‌شود متعرض به مال مسئول باشد اما متعرض به آبرو، حیثیت و جان انسان نه، پس به‌طور قطع خسارات معنوی که در خیلی از موارد سنگین‌تر از خسارت مادی نیز هست قابل جبران بوده و شکی در آن نخواهد بود. (حسینی مراغی، پیشین، ج ۱، ص ۵۵۶).

ج: مبانی قانونی

در قوانین موضوعه افغانستان چنانچه قبلاً نیز اشاره گردید حقوقی معنوی انسان مطرح صیانت از آن بر عهده دولت گذاشته شده است که اینک به موادی چندی اشاره می‌گردد؛

در قانون اساسی ماده ۲۳ دارد که زندگی یک موهبت الهی از و از هرگونه تعرض مصئون می‌باشد، در ماده ۲۹ تعذیب انسان و هرگونه جزای مخالف کرامت انسانی ممنوع شده، در ماده ۳۷ اسرار اشخاص از تعرض مصئون و در ماده ۳۸ مسکن اشخاص و سایر مواد این قانون که خود دلالت بر این دارد که در صورت هتک این حقوق که کاملاً و یا بعضاً معنوی می‌باشد شخص مرتکب مسئول و جبران بالایی وی لازم می‌آید. در قانون مدنی ماده ۹ دارد که هرگاه شخص از حق خود تجاوز نماید ضمان بر او لازم می‌آید، در مواد ۷۵۸ تا ۷۹۹ به‌صورت کلی در مورد ضررها و جبران‌ها است و به‌طور خصوصی در بند ۱ ماده ۷۷۸ بیان می‌دارد که جبران ضرر شامل سنجش ضرر معنوی نیز می‌گردد. که صریحاً پذیرفته و قابل جبران دانسته است و باید مورد توجه قضات قرار گیرد. در قانون جزای افغانستان مواد ۲۹۴ و ۲۹۶ مصادیق توهین، تهدید و تحقیر آمده است که شخص بر علاوه مجازات کیفری پرداخت مبلغ نیز ملزم می‌گردد و مواد متعددی دیگر از این قانون و سایر قوانین. که به‌روشنی می‌تواند راه جبران خسارت معنوی را برای قضات و پیدا نمودن روش‌های جبران در حقوق افغانستان را در این نوشتار را هموار سازد.

ارکان و شرایط ضرر قابل مطالبه:

با توجه به اثبات این نوع ضرر و قابل مطالبه بودن آن باید دید که چه ارکانی و دارای چه شرایطی باشد تا مطالبه گردد.

ارکان ضرر معنوی همان ارکان کلی خسارت است که عبارت‌اند از: ۱- وجود ضرر: باید ضرر باشد تا بحث غرامت پیشکش گردد. ۲- تقصیر یا فعل زیان‌بار: باید اثبات گردد که فعل زیان‌بار بوده و تقصیر عامل در آن دخالت داشته. ۳- رابطه سببیت: باید یک رابطه باشد تا فعل زیان به عمل عامل ربط پیدا کند.

شرایط نیز همان شرایط کلی است: ۱- قطعی و مسلم بودن ضرر ۲- مستقیم بودن ضرر ۳- قابل پیش‌بینی بودن ضرر. ۴- جبران نشده بودن ضرر: ضرر ولو اگر از سوی غیرعامل جبران شود شخص متضرر حق ندارد حتماً از عامل زیان‌هم مطالبه

نماید. ۵- که این شرط ویژه خسارت معنوی می باشد قابل درک بودن آسیب از سوی متضرر می باشد که رنج و درد را باید احساس و درک کند بدین لحاظ اطفال و مجانین که رنج های روحی برایشان قابل درک نیست از این قاعده خارج است و نمی تواند مطالبه خسارت نماید. (درخشان نیا، پیشین، صص ۱۱۸-۱۱۹).

مصادیق ضرر معنوی

زیان معنوی دارای مصادیق زیادی است که این نوشتار گنجایش آن را ندارد و به طور فهرست وار به چند نمونه از آن اشاره می گردد:

مصادیق زیان معنوی وارد بر اشخاص حقیقی: الف- خسارت جسمانی یا صدمه بدنی؛ ۱- قطع امید از زندگی ۲- درد و رنج ۳- برهم خوردن تعادل یا از دست دادن توانایی و قابلیت. ب: خسارت روحی: ۱. رنج روحی در اثر صدمه به تمامیت جسمانی ۲. صدمه روحی ناشی از یک حادثه غیرمنتظره. ۳. صدمه روحی ناشی از فوت و یا آسیب جسمی نزدیکان. ۴. صدمه روحی ناشی از اهانت به باورها. ۵. صدمه روحی از دست رفتن فرصت. ۶. صدمه روحی از دست دادن تعلقات موردعلاقه. ج: صدمه به شخصیت و حقوق مربوط به آن؛ ۱- لطمه به شهرت و اعتبار ۲- سلب آزادی ۳- صدمه به حقوق مدنی ۴- تجاوز به امور محرمانه و اسرار خانوادگی...

مصادیق خسارت معنوی وارد بر اشخاص حقوقی: فقط به صدمه به شخصیت و حقوق مربوط به آن بستگی دارد زیرا اشخاص حقوقی دارای جسم و روح نیست تا موارد آن را دربر داشته باشد. که این اشخاص هم دو نوع خصوصی و عمومی می باشد.

مطالبه خسارت معنوی

بحث مهم دیگری که در اینجا مطرح است این است که چه کسانی حق دارند که از عامل زیان مطالبه خسارت نمایند؟ در این مورد حقوقدانان سه فرض را در نظر گرفته است که به طور فشرده بدان پرداخته می شود:

الف: مطالبه خسارت معنوی وارد بر متوفی از ناحیه بازماندگان قبل از فوت متوفی: در این مورد بحث زیاد است عده ای معتقد بر عدم امکان حق مطالبه وراثت است به این دلیل که ضرر معنوی ذاتی شخص متضرر است و منحصر به خود وی می باشد و با فوت وی دیگر قضیه منتفی است: ری پر، بولانژه، پلاتیول و اسمن از این گروه اند. (نقیبی، پیشین، صص ۴۰۸ و ۴۰۹). عده ای هم بر این باوراند که اگر متوفی در زمان حیات اقامه دعوی کرده باشد و قبل از صدور حکم فوت کند ورثه به عنوان قایم مقام می تواند دعوی را ادامه دهد چون با اقامه دعوی زیان دیده این حق تبدیل به حق مادی شده است. (رسولی و علی آبادی، موازین قضایی هیئت عمومی دیوان عالی کشور، ج ۱، ص ۳۷۶ به بعد). و برخی هم به دلیل اینکه وراثت ادامه دهنده شخصیت متوفی است حق مطالبه خسارت را به وراثت داده است و انحصار را برداشته است.

اما قانون مدنی افغانستان نیز در ماده ۷۷۸ بند ۳ جبران خسارت ناشی از ضرر معنوی را قابل انتقال به غیر نمی داند، مگر اینکه مقدار آن بر اساس حکم محکمه و یا توافق طرفین تعیین شده باشد. پس قانون گذار افغانستان کلاً رد نکرده و راهی را در نظر گرفته است که اگر متضرر در زمان حیات مطالبه خسارت کرده و حکم هم به نفع وی صادر شده باشد بعد فوت

کند ورثه می‌تواند خسارت را بگیرد و یا متوفی در زمان حیات با عامل توافق کرده باشد که فلان مقدار به وی داده شود نیز ورثه حق گرفتن را خواهد داشت.

چنانچه از ماده ۶۷۷ کد جزای افغانستان و ماده ۴۴۰ قانون جزای افغانستان که در مورد قذف است حق شکایت منحصر به مقذوف که متضرر هست داده شده است.

ب: حق مطالبه خسارت معنوی ناشی از فوت مجنی علیه از ناحیه وراث: در این مورد دو فرض مطرح است اول اینکه وراث به عنوان قائم مقامان زیان دیده حق مطالبه خسارت را داشته باشد که البته قانون مدنی افغانستان در صورت این فرض را پذیرفته که شخص متضرر در زمان حیات با عامل توافق کرده باشد که بعد از من فلاتی ها حق مطالبه را داشته باشد در غیر این صورت امکان پذیر نیست. فرض دوم اینکه خود وراث به عنوان زیان دیدگان ناشی از فوت مجنی علیه ادعای مطالبه خسارت کند که در این فرض می‌تواند آن درد و رنجی که از فوت وی متحمل شده متناسب با آن خسارت دریافت نماید. (کاتوزیان، پیشین، ص ۲۴۴).

ج: حق مطالبه خسارت برای وراث بعد از فوت متوفی: خسارت وارد شده بر متوفی بعد از فوتش در زمره توهین به اموات قرار گرفته و خسارت وارده مستقیماً بر وراث می‌باشد و می‌تواند مطالبه خسارت نماید. مواد ۶۹۵ و ۶۹۸ کد جزا و مواد ۳۹۱-۳۹۳ قانون جزای افغانستان

مستحقین دریافت خسارت معنوی

در نظریات حقوقی و قوانین کشورها این مسئله روشن نیست و فقط گفته وراث اما حدودی را برای آن مشخص ننموده است. در این راستا قانون مدنی افغانستان برای جلوگیری از سوءاستفاده و حرج و مرج حدی را مشخص کرده است که قرار ذیل است.

قانون مدنی افغانستان در بند ۲ ماده ۷۷۸ اشعار می‌دارد که: اگر به سبب وفات شخصی که مورد تعدی واقع گردیده، ضرر معنوی به زوج و اقارب وی عاید گردد محکمه می‌تواند برای زوج و اقارب تا درجه دوم به جبران خسارت حکم نماید. طوری که دیده می‌شود طبق قانون افغانستان دو گروه می‌تواند به عنوان وراث متضرر حق مطالبه خسارت داشته باشد ۱- زوج که منظور از زوج مرد و زن را شامل می‌شود طبق تفسیر موسع. و اقارب تا درجه دو که شامل فرزند و نوه می‌گردد نه بیشتر از آن. (نظام‌الدین عبدالله، شرح قانون مدنی افغانستان حقوق و جایب، ص ۳۸۴).

روش‌های جبران خسارت معنوی

برای جبران زبان‌های معنوی روش‌های از سوی حقوقدانان بیان شده است که به گونه اختصار تبیین می‌گردد:

الف: جبران خسارت معنوی از طریق اعاده وضع به حالت سابق: یعنی به گونه‌ای جبران گردد که اثری از خسارت باقی نماند که حقوقدانان افغانستان از این تعبیر به جبران عینی نموده است. (رسولی، پیشین، ص ۱۷۵). جبران خسارت معنوی در این روش به گونه‌ای است که اگر شخصی یکی از اعضای بدنش مجروح و یا زیبایی‌اش را از دست دهد با گرفتن غرامت از

عامل به دوک تور متخصص مراجعه نموده و آن سلامتی و زیبایی اولیه اش را به دست آورد. (سلطانی نژاد، پیشین، ص ۲۱۲ و نقیبی، پیشین، ص ۳۷۸).

ب: جبران خسارت از طریق دادن معادل: این روش درصدد جبران تمام و کمال نیست بلکه برای جلب رضایت و خشنودی زیان دیده است هر چند به طور نسبی که این معادل به صورت پول نقد، یا ترک فعلی که جایگزین مناسب برای خسارت وارده محسوب شود یا هر نحو دیگری که تسلی بخش آلام زیان دیده باشد. (سلطانی نژاد به نقل از F.H.Lawson; op, si t, p.۶۳; Edward J. ki onka; t ort s i nj uri es t o persons and property, p, ۳۵۴; Andre (Tunc, op, ci t, ch, ۱۰, p, ۷۱.

این مهم در بخش اشخاص حقوقی سه هدف را دنبال می کند؛ عذرخواهی یا هر گونه نادرستی عمل، پیگرد قانون یا تنبیه اشخاص مرتکب و اتخاذ اقدامات برای جلوگیری از تکرار آن. (بهرام مستقیمی، و مسعود طارم سری، مسئولیت بین المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، ص ۲۵۵).

ج: جبران خسارت به روش اسمی و تنبیهی: به روش اسمی یا سمبلیک در خیلی از موارد کاربرد دارد چون ممکن زیان خیلی اندک باشد و برای اینکه عامل محکوم گردد به ۱ افغانی مثلاً وی را محکوم گرداند (سلطانی نژاد، پیشین، ص ۲۱۴). و روش تنبیهی یا کیفری نیز در بسیار موارد باعث عبرت شخص عامل و دیگران می گردد که در فقه اسلامی این روش تنبیهی با دیه و تعزیر مطابقت دارد. (نقیبی، پیشین، ص ۳۹۴).

د: الزام به عذرخواهی و انتشار محکومیت: این دو روش در خسارت معنوی بسیار کاربرد زیاد و مهمی دارد و گره گشای خیلی از موارد در این بخش می باشد مخصوصاً در روابط دولت ها از موثریت بسزایی برخوردار می باشد. قانون گذار افغانستان در این مورد شیوه خاصی را بیان ننموده و بر قاضی محول نموده تا طبق شرایط اوضاع و احوال اقدام به تعیین میزان خسارت نماید. ماده ۷۸۱.

ارزیابی و تعیین میزان انواع خسارت معنوی

تعیین میزان خسارت خصوصاً در خسارت معنوی از دشوارترین کارها و دقیق ترین امور می باشد که نهایت دقت را می طلبد که مختصراً به آن پرداخته می شود:

تعیین خسارت وارد بر اشخاص حقیقی: در مورد تعیین صدمات بدنی اشخاص حقیقی در کشورهای اسلامی و قوانین موضوعه، موضع حل است و برای هر یک از اعضای بدن دیه معین گردیده است. (محمدحسین مرعشی، دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، ص ۱۵۳). که قاضی طبق آن حکم می نماید و در صورت بروز مشکل قاضی طبق صلاحدید خود که مطابق قانون باشد عمل می نماید. اما در مورد صدمات روحی در بعضی موارد دیه کارساز است و در بعضی دیگر قانون گذار افغانستان میزان آن را تعیین نموده است که به عنوان نموده به فصول ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۵ و شانزده از باب جنایت و جنح ضد افراد قانون جزای افغانستان می توان اشاره کرد.

روش تعیین مبلغ جبران خسارت معنوی

از مباحث مهم و قابل بحث روش تعیین مبلغ پول هست که در اینجا به سه روش اشاره می‌گردد؛

الف: تعیین مبلغ به حکم قانون: که قاضی پرونده با مراجعه به قانون که میزان مبلغ در آن مشخص است اقدام به صدور حکم می‌نماید که در واقع دست قاضی خیلی باز نیست و باید مطابق صراحت قانون عمل نماید. ب: تعیین توافقی: در این روش طرفین بین خود توافق می‌کند که در صورت بروز زیان باید فلان مبلغ پرداخت شود که بیشتر بین روابط کارگر و کارفرما حاکم است. ج: تعیین قضایی: روش سوم در محاکم تمام کشورها تعیین قضایی است که قاضی با وسایل در دست داشته خویش برای تعیین دقیق مبلغ و شرایط طرفین اقدام به تعیین آن می‌نماید که این مهم در قانون مدنی افغانستان در مواد ۷۷۴ و ۷۷۵ صریحاً مورد پذیرش قرار گرفته است.

و مطلب دیگر اینکه در صورت تعدد اسباب چگونه تعیین میزان خسارت نمود در ماده ۷۸۹ قانون مدنی به وضوح آمده است که هرگاه مسئولین فعل مضر متعدد باشند، در جبران خسارت مسئولیت مساوی دارند مگر اینکه محکمه حصه هر کدام را در جبران خسارت تعیین نماید.

اسباب معافیت و تشدید

کسی که باعث ایجاد ضرر بر دیگری می‌گردد و مقصر شناخته می‌شود می‌تواند به استناد به اسباب معافیت از مسئولیت جزء یا کلاً معاف گردد و در موارد هم این مسئولیت تشدید می‌یابد که مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ در مورد اسباب معافیت قانون مدنی افغانستان در ماده ۷۸۲ و ۷۸۳ چنین بیان می‌دارد: (۷۸۲ هرگاه متضرر نسبت به خطای خود در ایجاد و یا تزئید ضرر عائد اشتراک داشته باشد محکمه می‌تواند مقدار جبران خسارت را تقلیل یا اصلاً به آن حکم ننماید). و (۷۸۳ هرگاه شخص ثابت نماید که ضرر عائد ناشی از سبب خارجی بدون مداخله وی و یا از حادثه غیر مترقبه یا ناشی از اسباب مجبره بوده و یا به سبب خطای شخص متضرر یا از غیر نشئت کرده است به ضامن مکلف نمی‌گردد. مگر اینکه قانون یا موافقت طرفین به خلاف آن حکم نماید). بنابراین اسباب معافیت عبارت‌اند از: ۱- قوه قاهره؛ غیر قابل اتراز و غیر قابل جلوگیری باشد. (علی رفیعی، حقوق مسئولیت مدنی، ص ۱۸۳. و ناصر رسایی نیا، حقوق مدنی عقود و تعهدات، ص ۱۱۶). ۲- خطای شخص متضرر ۳- خطای شخص ثالث و عوامل موجهه که باعث تقلیل می‌شود عبارت‌اند از: دفاع مشروع، حکم قانون، اجرای حق و رضایت زیان دیده.

تشدید مسئولیت هم تنها در یک صورت امکان پذیر است که طرفین مثل کارگر و کارفرما بین هم توافق کرده باشد که در صورت عاید ضرر بر کارگر کارفرما متعهد گردد که مبلغ بیشتر از خسارت وارده را تقدیم نماید. و این هم تا زمانی که مخالف قانون و اخلاق حسنه نباشد مورد پذیرش است. (سلطانی نژاد، پیشین، ص ۲۶۶).

نتیجه گیری

نتایجی را که می‌توان از این نوشتار کوتاه گرفت قرار ذیل می‌باشد.

۱. خسارت معنوی از دیرباز مورد بحث بین فقها و دانشمندان بوده و در گذشته چندان اعتنایی به آن نمی شد و آن هم به دلیل اینکه امور معنوی غیر قابل مقایسه با امور مادی ست و بعضی آن را ورای همه قوانین دانسته و ضمانت اجرای برای آن قائل نبود.
۲. در عصر جدید همه دیدند که این نوع ضرر در بسیاری موارد چه بسا مشکل تر و سنگین تر از زیان مادی است که افراد و خانواده ها را زمین گیر می کند لذا این نوع خسارت را مورد پذیرش قرار داده و درج قوانین نموده اند در این میان قانون مدنی افغانستان این امر را در بند ۱ ماده ۷۷۸ به صراحت پذیرفته است و فقهای اسلامی نیز بعضاً این امر را امکان پذیر نمی دانست اما با توجه به آیات و روایات و قواعد و مبانی موجود این بحث و قبول آن غیر قابل انکار بوده و فقها معاصر بدان تصریح نموده است.
۳. با توجه به قبول این نوع خسارت و مبانی محکم و مستدل که دارد قانون گذاران در قدم اول آن را درج قوانین نموده و راهکارهای را برای جبران این نوع ضرر تبیین نموده است که به عنوان نمونه می توان به جبران از طریق اعاده وضع به حالت سابق، الزام به عذرخواهی، انتشار حکم، دادن معادل و... اشاره نمود و روش تعیین مبلغ بر اساس قانون مدنی افغانستان به سه طریق امکان پذیر است؛ تعیین قانون، توافق طرفین و تعیین قضایی. و مستحقین دریافت این نوع خسارت بعد از متضرر در قانون مدنی افغانستان مشخص گردیده که زوج و اقارب تا درجه دوم می باشد و کسی دیگر به عنوان وراثت حق مطالبه را نخواهد داشت.

فهرست منابع

(۱) قرآن کریم

منابع فارسی

- (۲) امامی، سید حسن، حقوق مدنی، انتشارات اسلامیه، چاپ بیست پنجم، تهران، ج ۱، سال ۱۳۸۴ هـ.ش.
- (۳) امیری قائم مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱ چاپ دوم سال ۱۳۵۵ هـ.ش.
- (۴) انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی، دانشنامه حقوق خصوصی، انتشارات محراب فکر، تهران، ج ۲، ص ۱۲۶۴، چاپ اول ۱۳۸۴ هـ.ش.
- (۵) جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ ۱۵، سال ۱۳۸۴ هـ.ش.
- (۶) خواجه پیری، عباس، حقوق مدنی ۴ موجبات مسئولیت مدنی و آثار آن، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ میزان، تهران، سال ۱۳۹۸ هـ.ش

- ۷) درخشان نیا، حمید، ضرر و زیان ناشی از جرم، انتشارات، نشر مهاجر، تهران، چاپ اول سال ۱۳۸۴. ه.ش.
- ۸) دهخدا، علی اکبر لغت نامه دهخدا. انتشارات سیروس. تهران، ج ۱۶ و ج ۳۲. سال ۱۳۳۸. ه.ق.
- ۹) رسایی نیا، ناصر، حقوق مدنی عقود و تعهدات، انتشارات آوای نور، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۷۶. ه.ش.
- ۱۰) رسولی، عبدالحسین، مسئولیت غیر قراردادی در حقوق افغانستان، نشر واژه، تهران، چاپ اول سال ۱۳۹۸. ه.ش.
- ۱۱) رفیعی، علی، حقوق مسئولیت مدنی، انتشارات فکر سازان، تهران، چاپ دوم سال ۱۳۹۶. ه.ش.
- ۱۲) سجادی، سید عبداللطیف، مسئولیت مدنی و ضمان قهری (با تأکید بر حقوق افغانستان)، انتشارات محبین، قم، چاپ اول سال ۱۴۰۰. ه.ش.
- ۱۳) سلطانی نژاد، هدایت الله، بررسی تطبیقی خسارت معنوی، انتشارات میزان دانش، تهران، چاپ اول سال ۱۳۹۴. ه.ش.
- ۱۴) صدری افشاری، غلام حسین، حکیمی، نسرين، فرهنگ معاصر فارسی، انتشارات؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ سوم سال ۱۳۸۱. ه.ش.
- ۱۵) صفایی، سید حسین، قاسم زاده، مرتضی، حقوق مدنی (اشخاص و محجورین) انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم سال ۱۳۷۶. ه.ش.
- ۱۶) دوره مقدماتی حقوق مدنی، تعهدات و قراردادها، ج ۲، نشریه موسسه عالی حسابداری، تهران، ۱۳۵۱. ه.ش.
- ۱۷) سید حسین، رحیمی، حبیب الله، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، انتشارات، سمت، تهران، چاپ چهارم سال ۱۳۹۱. ه.ش.
- ۱۸) عبدالله، نظام الدین، شرح قانون مدنی افغانستان حقوق وجایب، انتشارات سعید، کابل، چاپ پنجم، ج ۱، سال ۱۳۹۵. ه.ش.
- ۱۹) علی آبادی، عبدالحسین، موازین قضایی هیئت عمومی دیوان عالی کشور، انتشارات حسینیة ارشاد، تهران، ج ۲، سال ۱۳۶۳. ه.ش.
- ۲۰) عمید، حسن، فرهنگ فارسی، عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، ج ۲، ۱۳۶۹ و ۱۳۸۴. ه.ش.

- ۲۱) کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری مسئولیت مدنی غصب و استیفا)، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱. چاپ سوم، سال ۱۳۸۲. ه.ش.
- ۲۲) فلسفه حقوق، انتشارات به نشر، مشهد، ج ۱، چاپ دوم سال ۱۳۶۵ ه.ش.
- ۲۳) حقوق مدنی (مسئولیت مدنی)، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، چاپ اول سال ۱۳۷۴ ه.ش و چاپ ۷ سال ۱۳۸۶ ه.ش.
- ۲۴) مرعشی، محمدحسن، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، انتشارات میزان، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۷۳. ه.ش.
- ۲۵) مستقیمی، بهرام و طارم سری، مسعود، مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول سال ۱۳۷۷. ه.ش.
- ۲۶) معین، محمد فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ ۲۱، ج ۲، سال ۱۳۸۳. ه.ش.
- ۲۷) میر داداشی، سید مهدی، مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی در حقوق ایران و مصر، انتشارات دانشگاه مفید، قم، چاپ اول سال ۱۳۹۳ ه.ش.
- ۲۸) نخجیری، حسن، دعوای خصوصی در دادگاه جزا، انتشارات، داورپناه، تهران، سال ۱۳۵۱. ه.ش.
- ۲۹) نقیبی، سید ابوالقاسم، خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام‌های حقوقی معاصر، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۶. ه.ش.
- ۳۰) هاشمی، احمدعلی، با دیباچه سید حسین صفایی، دامنه مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه امام صادق ع، تهران، چاپ اول ۱۳۸۹. ه.ش.

مقاله

- ۳۱) شبیری (زنجان‌ی) سید حسن، قاسمی، عبدالخالق، خسارات قراردادی قابل مطالبه در حقوق افغانستان، فقه و اسناد بین‌المللی حقوق قراردادی، انتشارات، فصل‌نامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال پنجم شماره دوم تابستان ۱۳۹۷.

منابع عربی

۳۲) ابن منظور، علامه ابی الفضل محمد بن مکرم، لسان العرب، انتشارات الدار المتوسطة للنشر والتوزيع الجمهوريه التونسيه، ج ۱ ص ۵۲۲. چاپ اول سال ۱۴۲۶

۳۳) حسینی، مراغی، میر عبدالفتاح، العناوین، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ج ۱، چاپ دوم، سال ۱۴۲۵ ه.ق.

۳۴) السنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسيط فی شرح قانون المدنی الجدید، ج ۱، بیروت لبنان، چاپ دارالاحیاء التراث العربی، ۲۰۰۲ م.

۳۵) العوجی، مصطفی، القانون المدنی - المسئولیه المدنیه، منشورات الحلبي الحقوقیه، بیروت، ج ۲ سال ۲۰۱۶ م

۳۶) عاملی، شیخ حر، وسایل الشیعہ، ج ۱۵، باب ۳۴، ابواب اقسام طلاق، انتشارات آل البيت، قم، ج ۱، سال ۱۳۷۲

قوانین

۳۷) قانون اصول محاکمات مدنی افغانستان نشر سال ۱۳۶۹

۳۸) قانون تجارت افغانستان مصوب سال ۱۳۱۱

۳۹) قانون جزای افغانستان مصوب و نشر سال ۱۳۵۵

۴۰) قانون قراردادهای تجارتي مصوب سال ۱۳۹۳

۴۱) قانون مدنی افغانستان: ناشر وزارت عدلیه، تاریخ نشر ۱۳۵۵/۱۰/۱۵

۴۲) قانون مسئولیت مدنی ایران ۱۳۳۹

۴۳) کد جزای افغانستان مصوب و نشر سال ۱۳۹۵

منابع لاتین

Ganot (J ean), "La reperati on da prej udi ce moral ".(these ۴۴ renne, ۱۹۲۴), P, ۲۸.

F,H, Lawson; op, si t, p, ۶۳; Edward J ,ki onka; torts i nj uri es ۴۵

t o persons and property, p, ۳۵۴; Andre Tunc, op, ci t, ch,

۱۰, p, ۷۱.